

و اندرون پر زهر ای سالک راه حق چون دل را محل نظرگاه
حق تعالی است از خار و خاشاک بجز پدیا کئی سلطان از دل
و ابذی که لم یسعی سماعی و ارضی و توسعی قلب عبدالمؤمن
تواپوزد و بعد از آن زبان حاکم بقال آید و همه این گوید
بیت آنک اندر جهان نمی کجند در دل تنگ من وطن دارم ای
سالک راه حق در یاب که چه می گویم **بیت** کعبه مورد آن نه
از آب و گل است حجاب دل سو که بیت الله دل است بروق
باد که لکام از شریعت بوسه نفس کنی و بار تقوی پر بست او
نهی و تازیانه و جامه در دست گیری در بیان خالقش
اندازد و رو بکعبه حقیقی آرد و در همه حال استعانت
از خدای تعالی طلب کنی تا مراد حاصل بقود لذت از الله

بیت چون بیدید آید حرم پادشاه نفس خود قربان کن اندر
پیش شاه زمین به پشت مرکب توفیق کن پس طواف کعبه
تحتی کن کنین کریبان هر که سر بر می کند هر نفس صد عید
اکبری کند **مادد** **وله** **الحسن** تقواست ای سالک
راه بدان که تقوی بکند مرتبه بلند است چنان که خدای
تعالی فرموده است ان اکرمکم عند الله اتقیکم و فرمود ان
الله یحب المتقین و فرمود ان الله مع الذین اتقوا و الذین هم
محسنون و فرمود ان الله مع المتقین و بدان که طاعتی که
اهل تقوی می کنند پسندیده خدای تعالی است چنان که
فرموده فولقها انما یتقبل الله العمل الخیرا و برزق حیث
لیخشین منی هر که پویا کند از امر خدای تعالی او پیرسند

من المتقین و فرمود
و من یق الله یعمله
ص